پرهیز دادن حسن بصری از نقط قرآن به‌خاطر تحمل قرائات و وابستگی آن به سماع و اقراء

شاگرد: این مؤید این نمی‌شود که قرآنی که می‌فرستاد بدون نقطه و بدون اعراب بوده؟

استاد: بله، حتی حسن بصری است ای ابن سیرین است؛ به نظرم حسن بصری است. حسن بصری می‌گوید نقطه نگذارید. کاری که ابوالاسود و سائرین می‌کردند، یک قرائت را تعیین می‌کرد؛ وقتی شما نقطه گذاشتید یعنی دیگر تحمل سائر قرائات را ندارد. وقتی بنویسید «تبیئوا»، دیگر «تثبتوا» معنا ندارد. لذا در کاری که آنها می‌کردند معلوم بود که داشتند یک قرائت را تعیین می‌کردند. و لذا در قرآن‌های همان زمان، مصاحفی هست که در موزه های دنیا هست...؛ آقا فرمودند روز پنج شنبه ان شالله می‌خواهند مصحفی از آستان‌قدس را رونمایی کنند. اساتید به من مصحفی دادند؛ همان مصحف آستان‌قدس که عرض کردم خط کوفی است. مصحفی که الآن می‌خواهند رو نمایی کنند خط حجازی است. خط مایل است.

شاگرد: کتابت مصحفی که به شما دادند برای چه زمانی است؟

استاد: کتابتش در فضای بصره نوشته شده و شاید نیمه دوم قرن اول بود یا نیمه دوم قرن دوم. الآن یادم نیست. ولی مرحوم شیخ بهائی تصریحا نوشته‌اند که این به خط امیرالمؤمنین علیه‌السلام است.

شاگرد: نقطه دارد؟

استاد: بله، نقطه و اعراب دارد. ولی می‌گویند اینها بعداً گذاشته شده.

همین را می‌گفتم؛ از حسن بصری می‌پرسند نقطه بگذاریم یا نگذاریم؟ می‌گوید نگذارید؛ «جرّدوا مصاحفکم»[1]؛ در مصحف هیچ نقطه و اعرابی نگذارید. چرا؟ «اخاف ان یزاد فی القرآن حرف». یعنی کسی که اعراب گذاری می‌کند چون یک نحو خواندن را تعیین می‌کند، اگر آن قرائت بین یک بلد رایج نباشد و قرائت صحیح و معتبره اهل فن نباشد، با اعراب گذاری، این مصحف می‌ماند و بعدا قرائت می‌شود. این حرفش خیلی جالب است. عدهای می‌گفتند مانعی ندارد، بگذارید. در همان زمان هم این بحث‌ها بود. من فکر می‌کردم این حرف یعنی چه؟ او چه می‌خواست بگوید؟ می‌گوید «جرّدوا مصاحفکم»؛ نقطه و اعراب را در مصحف نگذارید. می‌ترسم یک حرف در آن اضافه شود. تعبیر حرف دارد. یعنی چه؟ نقطه نگذارید چون می‌ترسم یک حرف در آن اضافه شود! چون اگر مقصود از حرف،

قرائت باشد، با نقطه گذاری شما ایجاد یک قرائت میکنید، و حال آنکه قرائت باید سماع داشته باشد. مقری باید از استاد فن بشنود که این قرائت سند دارد. همینطور وجاده ای و من درآوردی نیست. او هم میگوید چون بناء مسلمین بر اقراء است، بناءشان بر این است که از استاد بشنود و یک متخصص قرآن به او بگوید، اگر اعراب گذاری کنید بعداً این مرجع میشود و یک قرائتی میشود که اصلاً در مشایخ نبوده و اساتید اقراء از آن خبر نداشتند، با یک اشتباهی یک حرف به قرائت اضافه میشود. من به این صورت معنا کردم؛ اگر وجه دیگری به ذهن شما میآید، بعدا به من بفرمایید.

شاگرد2: اگر در امصار معروف شده باشد، طبیعتاً خیلی ها باید آن را حفظ کرده باشند، مخصوصا با حافظههای آن زمان.

استاد: بچهها میآمدند. اتفاقا مالک همین را میگفت. مالک میگوید برای تعلیم صبیان اگر بخواهید یک جا را تغییر بدهید و طوری بنویسید که بتوانید تعلیم کنید، اشکالی ندارد. اما اصل هجای مسلمین را اجازه نمیدهد. یک جا نقطه را میگذارید و مثلاً اشتباه میکنند، بعد به دست بچهها میآید؛ بچههایی که ای گرفتهاند بخوانند و با نقطه بخوانند. این قرائتی که اصلاً قرائت نبوده به واسطه اشتباه کسی که نقطه گذاشته، مرسوم میشود. شبیه همین مصحف هایی که قبلاً بود. میدانید مصاحفی که مخطوط بود، معروف بود که غلط داشته. ناسخ است. شاید بالای پنجاه بار روی مصحف های مخطوط رفتوبرگشت میکردند تا دقیق آن اشتباهاتش را تذکر بدهند.

حاج آقا مکرر مصحف حافظ عثمان را میگفتند. عثمان طه نه، حافظ عثمان. اسم حافظ عثمان را اولین بار از حاج آقا شنیدیم. خطاط مهم عثمانی بود؛ در سال 1052 وفات کرده؛ قرن یازدهم. از خط او تعریف میکردند و اینکه خیلی وقت ها میگفتند بسیار کم غلط بود. تعبیر حاج آقا «بسیار کم غلط» بود. خب ناسخ است، علی ای حال غلط میشود.

آن چیزی که مهم بوده، این بود که وقتی ناسخ اشتباه کرده بود، کسی که قرآن را فقط روی نوشته میخواند اگر از بچگی هم خوانده بود، تا وقتی هم که بزرگ میشد آیه را طبق همان غلطی که او نوشته بود، میخواند. و حال آنکه ناسخ غلط نوشته بود. وقتی اندکی به فضای علم القرائات میآمد میدید ما اصلاً چنین قرائتی نداریم، ناسخ اشتباه کرده است. یعنی فضای علم قرائات از روز اول این قدر منضبط بود؛ دقیق و حساب شده بود؛ علم الآی و عد الآیة و سائر مواردش هم همینطور بود. از منضبط بودن اینها است که عرض میکنم اگر بعداً روی فنی مثل وشم مصنوعی کار کنند، هر چه انضباط بالاتر برود و دقیقتر شود، خروجیها هم حساب تر شده میشود.

احمد مختار عمر را قبلاً گفته بودم. تکرارش خوب است. درجات قرائات و اعتبار آنها را شش رتبه کرده بود. یعنی برای هر کدام از اینها درجه آورده بود. در فدکیه هم یک صفحه هست، به نام «سنجش انواع قرائات در قوت و تعدد صدور». مثلاً قرائات سبع، قرائات عشر، قرائات اربعة عشر و سایر قرائات نسبت به ضوابطی که دارد ارزشگذاری شود تا ضعیف و موضوع ... معلوم شود.

---

[1] جامع معمر بن راشد (۱۱/ ۳۲۴)

بازبینی #2
ایجاد شده 12 ژوئن 2024 12:19:40 توسط ... .
به روزرسانی شده 19 ژوئن 2024 13:09:58 توسط ... .